

## 371639 - می خواهد اسلام بیاورد، اما قتل مرتد و ملک یمین و سحر و جن برایش قانع کننده

نیست

### سوال

من در یک خانواده مسیحی به دنیا آمدم و خودم نیز مسیحی بودم اما پس از تفکری طولانی اکنون که این سؤال را می نویسم تصمیم گرفته ام که مسلمان شوم و من گواهی می دهم که معبودی به حق جز الله نیست و این که محمد فرستاده الله است و اسلام من علنی نخواهد بود چون قسم می خورم که پدرم مرا از خانه بیرون خواهد کرد. قبلا یک خواهر مسلمان که با من درس می خواند به من یک قرآن داد اما پدرم آن را پاره کرد و بیرون انداخت و تهدید کرد که از خانه بیرونم خواهد کرد. اما آن چه اکنون مهم است، این است که من نسبت به بعضی چیزها ایرادهایی وارد می دانم که می ترسم در برابر مسلمانی من مانع شوند. من به ملک یمین و همچنین چیزهایی مانند سحر و جن و مخصوصا رجم مرتد قانع نیستم و این باعث می شود حس کنم دارم خودم را وارد اندیشه و دینی می کنم که اگر ترکش کنم کشته خواهم شد. وقتی از امام مسجد در این باره پرسیدم به من گفت باید به هر آن چه در اسلام آمده بدون فکر کردن قانع شد اما اگر بر اساس این منطق رفتار می کردم وقتی مسیحی بودم نباید به مسلمان شدن فکر می کردم، بنابراین همان طور که عقم مرا قانع کرد که اسلام درست است، همین طور حق دارم درباره برخی از چیزهایی که در اسلام هست اعتراض هایی داشته باشم. آیا این طرز فکر و این چند اعتراض اندک باعث می شود در نگاه اسلام کافر باشم؟

### پاسخ مفصل

#### Table Of Contents

- تلاش اسلام در راه آزادی بردگان
- حکمت از تشریح حد ارتداد
- سحر و جن و مس (جن زدگی) همه اموری است که واقع می شود و قابل انکار نیست

اولا:

شما را برای این اندیشه استوارتان تبریک می گوئیم و از الله خواهانیم که دست شما را بگیرد و دلتان را هدایت کند و وارد دینش سازد و وسوسه های شیطان را از شما دور بگرداند.

ثانیا:

دین بر بندگی و تسلیم شدن در برابر امر الله تعالی استوار است. پس هرکه به الله به عنوان پروردگار و به محمد به عنوان پیامبر ایمان بیاورد بر او لازم می شود که در برابر هرچه الله و پیامبرش . صلی الله علیه وسلم . گفته اند تسلیم باشد . البته اگر نسبت حدیث به رسول الله ثابت باشد . حتی اگر حکمت آن را درک نکند . هرچند بیشتر قضایایی که درباره اسلام مطرح می سازند حکمتش معلوم است و دلیلش واضح و عقل با شناخت جزئیات آن راهی جز ایمان به درستی آن و موافقتش با حکمت نخواهد یافت .

## تلاش اسلام در راه آزادی بردگان

از جمله این احکام، مسئله ملک یمین است. اسلام در حالی ظهور یافت که برده داری امری شایع در میان همه جوامع بود حتی نزد اهل شریعت های پیشین آسمانی (یهودیت و نصرانیت)! بنابراین، اسلام قوانینی را گذاشت که باعث آزاد شدن تعداد بسیار بزرگی از بردگان شد و در نتیجه با گذر زمان بیشتر آنان عملاً آزاد شدند. اسلام به آزاد کردن بردگان ترغیب کرد و اجر بسیاری را برای این کار قرار داد و آزادی بردگان را کفاره گناهی مانند قتل و ظهار و جماع در روز رمضان و کفاره شکستن سوگند قرار داد. حتی اگر امروز هم برده داری وجود داشت برای بسیاری از مردم آزادی برده راحت تر از روزه گرفتن دو ماه پی در پی بود!

برای همین پدیده برده داری در جوامع مسلمان بسیار محدود بود، پیش از آن که کشورها آن را الغا کنند.

از سوی دیگر احکام و آداب در مورد بردگان مشروع شده که آنان را در بیشتر معاملات همانند انسان های آزاد قرار می دهد. زدن و توهین به بردگان حرام است و شرع امر کرده که برده همان غذایی را بخورد که آقايش می خورد و همانند او لباس بپوشد و بیش از توانش به او کار داده نشود بلکه کفاره کسی که برده اش را زده آزادی او قرار داده است!

این جا مجال ذکر نصوص در این باره نیست اما کمی از این نصوص را یادآور می شویم تا به میل اسلام برای آزادی بردگان و توصیه های والایش برای آنان که برده مانده اند پی ببرید.

بخاری (۶۷۱۵) و مسلم (۱۵۰۹) از ابوهریره . رضی الله عنه . از پیامبر . صلی الله علیه وسلم . روایت کرده اند که فرمودند: «آن که برده مسلمان را آزاد کند الله در برابر هر عضوی از بدن او، عضوی از بدن وی را آزاد خواهد کرد، حتی شرمگاه در برابر شرمگاه».

و مسلم (۱۶۵۷) از ابن عمر . رضی الله عنهما . روایت کرده که گفت: شنیدم که رسول الله . صلی الله علیه وسلم . می فرمود: «آن که برده اش را بزند یا مورد ضرب قرار دهد، کفاره کارش این است که آزادش کند».

و ترمذی (۱۵۴۲) از سُوَید بن مُقَرَّن مَرْنِی روایت کرده که گفت: یادم است که ما هفت برادر بودیم و یک خادم (برده) داشتیم، پس یکی از ما او را کتک زد «پس پیامبر . صلی الله علیه وسلم . ما را امر کرد تا او را آزاد کنیم».

و بخاری (۳۰) و مسلم (۱۶۶۱) از معرور بن شؤید روایت کرده‌اند که گفت: ابوزر را در رَبدَه ملاقات کردم که خُله‌ای بر تن داشت و غلامش نیز حله‌ای بر تن داشت. درباره‌ی این کارش پرسیدم، گفت: من و مردی به هم دشنام دادیم و او را با مادرش طعنه زدیم، پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به من گفت: «آیا او را به سبب مادرش طعنه می‌زنی؟ تو مردی هستی که در تو جاهلیتی هست، این برادران شما خدمتگزاران شما هستند، که خداوند آنان را زیر دست شما قرار داده، پس هر کس برادرش زیر دست او بود از همان که می‌خورد به او غذا دهد و از آن چه می‌پوشد بر او بپوشاند و آنان را به کاری که توانایی‌اش را ندارند تکلیف نکنید پس اگر تکلیفشان کردید، خود آنان را کمک کنید».

قبلا در پاسخ به پرسش‌هایی چند به بیان و مناقشه‌ی این مسئله پرداختیم و بیان کردیم که این از زیبایی‌های اسلام است.

برای مطالعه‌ی بیشتر پاسخ مهم شماره (326235) و شماره (94840) را بخوانید.

سوم:

## حکمت از تشریح حد ارتداد

اما کشتن مرتد، این نیز دال بر کمال شریعت و تلاش آن در حفظ دین و همین‌طور عامل حفظ خود آن شخص است، زیرا مانع از این می‌شود که در پی شیطان که او را به سوی ارتداد وسوسه می‌کند برود و چون بداند که فرجامش کشته شدن است تأمل کرده اندیشه‌ی بیشتری می‌ورزد و این اندیشه غالباً به از بین رفتن آن شبهه می‌انجامد و همچنین باعث محافظت از جامعه است زیرا ارتداد شک را در دل کسانی که نفس ضعیفی دارند می‌اندازد به ویژه اگر بسیار تکرار شود و این باعث می‌شود که با خود بگویند: اگر این دین باطل نبود فلانی و فلانی ترکش نمی‌کردند حال آن‌که الله سبحانه و تعالی نسبت به بندگانش مهربان است و کفر را برای آنان نمی‌پسندد بلکه دینشان را حفظ می‌کند و آن چه را باعث به شک افتادن و ضعیف شدن دینشان می‌شود از آنان دور می‌سازد.

از سوی دیگر اگر مرتد را رها می‌کردند و ارتداد را آزاد می‌گذاشتند این بهترین فرصت برای کافران بود که اعلام اسلام کنند سپس کفر بگویند و این‌گونه آسوده خاطر الحاد را منتشر کنند و بلکه بگویند اسلام ما را قانع نساخت و این‌گونه در عقاید مردم شک بیندازند و فطرت‌ها را آلوده سازند و سخنان کفرآمیز در میان مردم منتشر شود چنان‌که اکنون در برخی از جوامع که حد مرتد در آن اجرا نمی‌شود رخ می‌دهد هرچند برخی از قوانین که مانع از کفر می‌شود کمی جلوی این شر را گرفته است.

همچنین پاسخ به سؤال شماره (20327) را ببینید.

چهارم:

## سحر و جن و مَسّ اموری است که واقع می‌شود و قابل انکار نیست

اما سحر و جن و مَسّ اموری است که دیگر امت‌ها و ادیان به آن معترف‌اند و در یهودیت و نصرانیت و دیگر ادیان شناخته شده است بلکه واضح است که کشیش‌های نصرانی و راهبان آنان در این زمینه زیاده‌روی می‌کنند و به شدت به آن مشغولند و خیلی بیشتر از مسلمانان و چند برابر آنان روی این مسئله حساب می‌کنند و این امری است واقعی که نمی‌شود انکارش کرد و شاید اگر برایت امکان داشت و در مجلسی که بر روی یک شخص مصروع یا جن‌زده رُقیه شرعی خوانده می‌شود شرکت کنی خواهی دید که مردی بر زبان یک زن سخن می‌گوید طوری که شک نمی‌کنی سخن گو یک مرد است و چه بسا شخص به زبانی جز زبان خود سخن بگوید حال آن‌که یک کلمه از آن زبان نمی‌فهمد، سپس جنی [از زبان شخص جن‌زده] درباره سرزمین و زبان و دین خودش و چیزهایی دیگر سخن می‌گوید و عقل نیز وجود مخلوقاتی پنهان که قابل دیدن نیستند را رد نمی‌کند و همچنین وارد شدن این موجودات به درون انسان و تسلط بر او را بعید نمی‌داند سپس ما نص صحیح را مبنی بر اثبات این قضیه داریم، بنابراین وجه انکار این موارد چیست؟ بلکه ما خود این موارد را شاهد بوده‌ایم و از نزدیک دیده‌ایم.

گمان نمی‌کنیم که شما منکر ملائکه باشید با وجود آن‌که ما ملائکه را هم نمی‌بینیم بلکه در پیروی از سخن الله و پیامبرانش به وجودشان ایمان آوردیم.

پنجم:

آیا عقل اجازه دارد بر هر یک از احکام شرعی که به آن قانع نیست اعتراض کند؟

اما این سخن شما که: همان‌طور که با عقل خود قانع شدید که اسلام درست است، همان‌طور هم می‌توانید با عقل خود به برخی از چیزهایی که در اسلام آمده اعتراض کنید... این سخن درستی نیست.

به این صورت که:

عقلتان شما را به این رساند که اسلام درست است و این خوب است و صحیح، اما نقش عقل همین‌جا به پایان می‌رسد به این معنا که پس از آن واجب است که عقل تسلیم وحی شود، تسلیم همان چیزی که قبلا عقل به درستی اش رسیده است و دیگر حق ندارد درباره جزئیاتی که در شرع آمده اعتراض کند تا وقتی که به درستی شرع معترف است و دانسته که این امور در شرع آمده است زیرا به این شکل دچار تناقض شده است.

زیرا عقل شما را به این راهنمایی کرده که قرآن کلام الله و وحی اوست و این که الله تعالی مهربان تر و داناتر و حکیم تر است و این که پیامبر ما محمد . صلی الله علیه وسلم . حقیقتا پیامبر خداست و این یعنی همه احکامی که الله مشروع ساخته حق است و عدل است و رحمت و حکمت است پس آیا عاقلانه است که بعد از این عقل بر حکمی که خداوند گذاشته اعتراض کند؟ و مدعی شود که چیزی را دانسته که الله ندانسته؟ آیا این ایراد وارد ساختن در خود عقل نیست؟

بر مسلمان واجب آن است که در چنین جایی از خود بپرسد: آیا این واقعا حکم خداوند است؟

و اگر ثابت شد که این حکم الله است واجب است که در برابر آن تسلیم باشد سپس اشکالی ندارد که در پی حکمت شرع از آن حکم باشد و در مقاصد شرع تعقل و تدبر کند؛ اما هیچ کس نمی تواند مدعی شود که از الله داناتر و حکیم تر و مهربان تر است.

اما اگر حکمی در قرآن و سنت صحیح ثابت نباشد دیگر حکم خداوند نیست و هر کس می تواند به آن اعتراض کند.

و این را بدان ای بنده خدا که شیطان تمام تلاشش را برای دور ساختن تو از اسلام و محروم ساختن تو خواهد کرد و او نخستین کسی است که این شبهات را برانگیخته و موانع را بر مسیر تو قرار خواهد داد.

بنابراین هر چه سریع تر شهادتین را بگو و اسلام بیاور و مطمئن باش هر شبهه ای که علیه دین خدا مطرح می شود پاسخ قانع کننده خود را دارد زیرا این از سوی الله حکیم و علیم است.

پایان سخن آن که: اگر به الله و پیامبرش . صلی الله علیه وسلم . ایمان بیاوری یقین خواهی آورد که هیچ یک از احکام او خالی از عدل و حکمت نیست.

و اگر فرضا ایمان آوردی و گناهی کردی و امری از اوامر الهی را . بدون انکار آن . انجام ندادی همین هم خیلی بهتر از ماندن بر کفر است.

پس عجله کن و به تاخیرش مینداز چرا که تو نمی دانی اجل کی فرا می رسد و مردم را می بینی که یک به یک کم می شوند، یکی بر اثر بیماری و دیگری بر اثر حادثه یا هر بهانه دیگر.

و این اشکال ندارد که اسلام خود را مخفی کنی و به قدر استطاعت خود فرایض را انجام دهی.

همچنین پاسخ به پرسش های شماره ( 175339 ) و ( 100627 ) و ( 188856 ) و ( 165426 ) را ببینید.

از الله خواهانم که از شما راضی شود و قلبتان را هدایت کند و به دین خود واردتان سازد و نعمتش را بر شما به کمال برساند و فردوس اعلی را نصیب شما گرداند.

امیدوارم به زودی اسلام آوردن خود را به ما بشارت دهید که این باعث سعادت و شادی ماست.

والله اعلم.